



بسم الله الرحمن الرحيم (1)

خدا را شاکریم که اجر دنیوی شهید سلیمانی را جلوی چشم ما هر روز دارد به این شخص بزرگ و به این شخصیت برجسته اهدا میکند. آنچه شما ملاحظه میکنید، این بسط و نشر اسم و یاد ایشان، اجر دنیایی این بزرگوار است؛ اجر اخروی را اصلاً ماها تصوّرش را نمیتوانیم بکنیم و نمیتوانیم بفهمیم که چیست؛ این اجر دنیایی است. من تصوّر میکنم از روزی که ایشان شهید شده تا امروز، اسم شهید سلیمانی و یاد شهید سلیمانی و خصوصیات از شهید سلیمانی، چندین برابر زمان حیاتش در بین مردم دارد منتشر میشود. این همان حرفی است که یک وقتی کسی گفته بود که «شهید سلیمانی» از «قاسم سلیمانی» برای ما خطرناکتر است! [این را] آن طرفهای مقابل گفته بودند؛ راست گفتند، واقعاً همین جور است. یعنی نه فقط غبار فراموشی بر چهره‌ی این شهید ننشسته، بلکه روزبه‌روز جلوه‌اش بیشتر شده، نورانیتش بیشتر شده، وضوحش بیشتر شده و ان‌شاءالله بیشتر هم خواهد شد. این لطف خدا است.

[این] ناشی از چیست؟ به گمان من علتش اخلاص شهید سلیمانی است؛ یعنی آن چیزی که ماها در آن غالباً مشکل داریم. کار انجام میگیرد، [ولی] روح کار، اخلاص است؛ کارهای این شهید، به معنای واقعی کلمه این روح را داشت؛ یعنی واقعاً با اخلاص کار میکرد؛ این را ما که با ایشان در کارهایش معاشر بودیم میفهمیدیم. در کارش خودنمایی نبود، تظاهر نبود، منیت نبود؛ برای خدا کار میکرد، برای خدا حرکت میکرد. به نظر من این اخلاص است که این اجر دنیوی را این جور نمایان کرده. این را ما در مورد امام هم مشاهده کردیم؛ امام هم همین جور بود. روز سوّم یا چهارم دفن امام بود که در مرقد ایشان - که آن وقت هنوز هیچ چیزی هم نبود؛ یک حصار کشیده بودند - یک جلسه‌ی بزرگی بود، ما هم میرفتیم آنجا و من با هلیکوپتر میرفتم؛ همین‌طور که به این بیابان نگاه میکردم - حالا آن قسمت ساخته شده، [اما] آن روزها غالباً بیابان بود - من دیدم این جمعیت همین‌طور با پای پیاده دارند میروند! چه کسی اینها را میبرد؟ چه جاذبه‌ای است که اینها را میکشد به آنجا؟ من گفتم این اخلاص امام است که دارد اینها را این جور میکشاند و میبرد. این شهید عزیز ما هم همین جور؛ با اخلاص بود.

حالا این خانم (۲) گفتند به ما یک نصیحتی بکنید؛ خیلی خوب، همین نصیحت: در کارهایتان اخلاص داشته باشید؛ یعنی نگذارید شائبه‌ی منیت در انگیزه‌های شما و در کارهای شما دخالت کند؛ اخلاص یعنی فقط برای خدا [کار کردن]. آنجایی که می‌بینید شائبه‌ی منیت است، پس بکشید؛ یعنی انسان کار را ترک کند، بهتر از این است که کار را برای دیده شدن انجام بدهد. این یک نکته است؛ نکته‌ی اخلاص در ایشان.

یک نکته در مورد ارزش کاری شهید سلیمانی - که خوب خیلی در این زمینه‌ها حرف زدند و میزنند، و این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد - نقش شهید سلیمانی در احیای جبهه‌ی مقاومت در منطقه است. البته این را اگر کسی بیان میکند، باید درست بیان کند. شهید سلیمانی نقش مهمی در زنده کردن جبهه‌ی مقاومت در منطقه دارد؛ خیلی نقش دارد. یک وقت یک گروه مقاومتی در یک منطقه‌ای هستند، خوب بله، این قبل از شهید سلیمانی هم بود؛ [اما] یک وقت یک جبهه به وجود می‌آید؛ ما همیشه این را میخواستیم. چون طرف مقابل جبهه‌بندی میکند، این طرف هم باید جبهه‌بندی کند. خوب الان اگر این جبهه نبود، غرّه نمیتوانست این قدر مقاومت کند. این جبهه‌ی مقاومت، به همه‌ی اطراف قضیه قدرت میدهد. اگر چنانچه چهار واحد با هم متحد بشوند، پنج واحد با هم متحد بشوند، زورشان و قدرتشان بیشتر از پنج برابر یک واحد است؛ یک هویت جدیدی به وجود می‌آید؛ آن هویت جدید خیلی مهم است. شهید حاج قاسم سلیمانی در این قضیه خیلی نقش داشت، خیلی کار کرد. مردم حضور او روی کوه‌های



سوریه و نترسیدنش و رفتنش به استقبال خطر را می‌بینند؛ خب این خیلی مهم است، اما اهمیّت اصلی مال این است که همین رفتن‌ها، همین حضورها، همین تلاشها توانست این جبهه را احیا کند، زنده کند، تقویت کند.

خداوند ان شاء الله درجاتش را عالی کند. [ایشان] با تدبیر، با سیاست، با عقل، با اخلاق، با تحرک و تلاش تمام نشدنی این کار را دنبال میکرد و این بسیار مهم بود و مهم است؛ امیدواریم ان شاء الله ادامه پیدا کند. البتّه آقای قآنی (۳) حقاً و انصافاً خوب دارد حرکت میکند؛ حرکت ایشان خیلی خوب است الحمدالله. بایستی همین خطّ تقویت جبهه‌ی مقاومت که شهید در این زمینه خیلی فعال بود و خیلی شاخص است و رتبه‌ی خیلی بالایی در این قضیه دارد، ان شاء الله ادامه پیدا کند.

خداوند ان شاء الله شماها را حفظ کند، خانم (۴) را محفوظ بدارد؛ ایشان هم در جهت‌گیری و انگیزه‌ی شهید سلیمانی نقش دارند. شاید بیست سال پیش یا بیست و سه چهار سال پیش [بود که] اینجا در این حیاط، با بچه‌های سپاه، فرماندهان سپاه – شاید حدود بیست نفر بودند – نماز خواندیم، بعد من نشستم روی پله، یک صحبت گرم و گیرایی کردم؛ قبلاً هم فکرش را نکرده بودم؛ خدای متعال همین‌طور حرف میزد! در واقع زبان من بود، حرف خدا بود؛ خیلی جلسه‌ی عجیبی بود، خیلی تأثیراتی گذاشت. بعد از آن جلسه، چند نفر از بچه‌ها به من مراجعه کردند، یکی از آنها حاج قاسم بود؛ آمد یک جمله‌ای از ایشان نقل کرد، گفت عیال من این‌جوری می‌گوید؛ در همان جهتی که من صحبت کرده بودم. من دیدم تأثیر همسر چقدر زیاد است؛ یعنی این خانم روی حاج قاسم مؤثر بودند؛ [لذا] ایشان در زحمات حاج قاسم شریکند، علاوه بر اینکه محرومیتهای خانواده‌ها – نبودن همسر، نبودن پدر – خیلی مهم است، تحمل این چیزها خیلی مهم است؛ تحمل کردند.

ان شاء الله خداوند به شماها اجر بدهد، توفیق بدهد، همه‌ی شما را حفظ کند. ان شاء الله موفق و مؤید باشید. (۱) در ابتدای این دیدار – که در آستانه‌ی چهارمین سالگرد شهادت شهید سپهبد قاسم سلیمانی برگزار شد – خانم زینب سلیمانی (فرزند شهید سلیمانی) گزارشی از کارهای فرهنگی و هنری انجام گرفته برای انتقال خصلتهای شهید به نسل جوان بیان کرد.

(۲) خانم زینب سلیمانی

(۳) سردار اسماعیل قآنی (فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

(۴) همسر شهید سلیمانی